درباره وضعیت فوق العاده

از حدود ۲۴ ساعت پیش و به گفته یک عضو عالی رتبه مجلس، مشخص شده است که محافلی در کشور برای اعلام وضعیت فوق العاده توسط مجامع عالی مسؤول اصرار می کنند. اعلام این وضعیت می تواند به هم جنبه های زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور تأثیر گذاشته روند جاری را در عرصه سیاست دستخوش تحول سازد. تحولی که توسط برخی از آگاهان امور سیاسی از بین بردن «ناهماهنگی و اختلاف در بخش های مختلف حکومت» به نفع یک بخش خاص سیاسی توصیف شده است.

ماجرای احتمال اعلام حالت فوق العاده، ازمدتی پیش شروع شد و به رغم آنکه مقامات سیاسی رسمی کشور از حوالی ۲۲ بهمن به این طرف پیوسته خواستار حفظ آمادگی ملی برای مقابله با خطرات احتمالی با منشا بیرونی بودند، برخی نشانه ها از وجود فرکب پدید آوردن یک وضعیت فوق العاده و استفاده از آن برای حل مسائل جناحی داخلی به چشم می خورد. اندکی پس از رویداد عظیم ۲۲ بهمن، یکی از روزنامه ها با ذکر اینکه راهپیمایی ۲۲ بهمن نشان داده «زمینه های بسیار مساعدی برای تحرکات مسؤولان نظام جمهوری اسلامی درداخل و خارج» وجود دارد، زمینه داخلی تحرک را چنین توصیف کرده بود:

مسؤولان بلندپایه نظام باید راهکارهایی قطعی برای حفظ وحدت و برخورد با ضربه واردکنندگان به همبستگی ملی در نظر بگیرند.» تا وقتی مشخص شود این راهکارها می تواند اعلام وضعیت فوق العاده باشد زمان زیادی مورد نیاز نبود و خیلی سریع، این ضربه واردکنندگان نیز در روزنامه های مخالف دولت تحت عنوان «ستون پنجم» (شامل برخی نمایندگان، احزاب، مطبوعات سیاسیون و مقامات دولتی) گروه بندی شدند. هنوز کسی از وضعیت فوق العاده و اقتضائات آن سخن نگفته بود، ولی وضعیت فوق العاده در شرایطی که علت آن یک تهدید خارجی است، حتماً شامل دستگیری همه کسانی که به عنوان ستون پنجم (نیروهای غیرنظامی و خرابکار دشمن، در داخل کشور و پشت خطوط خودی) شناسایی می شوند هست. در این شرایط، حتی افراد مظنون نیز باید دستگیر شوند تا امنیت ملی محفوظ بماند. در جریان جنگ جهانی دوم، پس از حمله ژاپنی ها به پرل هاربر، آمریکا که دولتی دمکرات و دارای جامعه آزاد محسوب می شد همه ژاپنی های مقیم ایالات متحده را بدون استثنا جمع آوری کرد و به کمپ و اردوگاه فرستاد تا بعداً وضع آنها را مورد بررسی قرار دهد. این روش، مرسوم است و در همه کشورهای جهان اتفاق می افتد.

اما در ایران آمریکایی ها و اسرائیلی ها ساکن نیستند و در صورتی که ایران و ایالات متحده درگیر شوند و احتمالاً وضع فوق العاده ای ایجاد شود، فقط افرادی که مظنون به روابط پنهانی با دولت های بیگانه هستند تحت نظر قرار می گیرند (البته بدون اتهام «ستون پنجم»!) از طرف دیگر اعلام وضعیت فوق العاده فقط شامل جست وجوی عوامل بیگانه نیست و همه حوزه های زندگی اجتماعی و اقتصادی را دربر می گیرد. در حوزه اقتصاد اقداماتی فوق العاده در زمینه کنترل منابع در دسترس و طولانی کردن زمان استقامت معیشتی در صورت قرار گرفتن در محاصره، دریافت مالیات های ویژه و برخورد شدید با حیف و میل کنندگان اموال و دارایی های عمومی صورت می گیرد. در عرصه اجتماعی رفتار وحدت بخش و نزدیک کردن قلوب مردم، پدید آوردن حداقلی از تأمین اجتماعی و معیشتی برای آحاد مردم و کنترل های امنیتی عبور و مرور، آمادگی دستگاه های خدمات رسان و مانند اینها صورت می گیرد. در عرصه سیاسی نیز در زمینه آنچه در روابط کشور با کشور تهدیدکننده و متحدان و متفقان تأثیر دارد، فقط سیاستمداران ارشد اظهار نظر کرده و جز سیاست های رسمی چیزی برزبان نمی آورند و البته رویه در این زمینه خاص همیشه چنین است و چنانچه خلاف آن جریان داشته باشد، یعنی نه تنها وحدت سخنگویی در عرصه برخورد با مخالفان خارجی وجود نداشته باشد بلکه هر کس بر اساس برداشت و ذهنیت خود اظهار نظر کند، نشان دهنده این است که کشور لابد از شرایط اعلام وضعیت فوق العاده بسیار دور است.

اما در روزهای گذشته، در ایران چنین نبوده است. تهدیدهای آمریکا که به نظر می رسد تا حدودی جدی گرفته شده است می توانسته سبب واکنش های متفاوتی شود. مقامات ارشد ضمن پاسخگویی به تهدیدات ایالات متحده و ابراز آمادگی ملی برای برخورد با تهدید، نشان داده اند میل به درگیری نا خواسته و قرار گرفتن در شرایط نامطلوب و کنترل نشده ندارند و ترجیح می دهند سناریوی خودشان را اجرا کنند و نه سناریوی جنگ طلبان آمریکایی و اسرائیلی را. از همین رو به رغم طرح برخی اظهارنظرها در زمینه اینکه آیا نیازی به اعلام وضعیت فوق العاده هست یا نه، گویا در مجامع عالی تصمیم گیری پاسخ چنین پرسشی منفی بوده است، هر چند به نظر می رسد این مجامع مسؤول در دنبال کردن دقیق وضعیت و تحت نظر داشتن رویدادها خوشبختانه هوشیاری کافی دارند. اما در محافل غیرمسؤول چنین نبوده است و کسانی تلاش کرده اند با ناگزیر و حتمی تلقی کردن وقوع یک تهاجم خارجی به کشور، خواستار اعلام حالت فوق العاده شوند. حالت فوق العاده ای که گویا حاصل آن فقط در برخورد بخشی از نظام با بخش دیگرش خلاصه می شود: «کسانی که در داخل کشور با استفاده از ابزار مطبوعات و تریبون های رسمی و غیر رسمی جنگ روانی را به نفع آمریکا و علیه ملت ایران به راه انداخته اند در واقع ستون پنجم دشمن محسوب می شوند و این اقدام آنها حیثیت به کشور محسوب می شود و همه آنها قابل تعقیب هستند.» در همان روز اول ماجرای که سطور فوق در یکی از روزنامه های مخالف اصلاحات به چاپ می رسید، روزنامه ای دیگر به نقل از آقای عسگر اولادی ضمن سخن گفتن درمورد هدف آمریکا از تهدیدات در پایان اضافه می کرد «مهمترین هدف آمریکا از تهدیدهایی که انجام می دهد واداردکردن ما برای پذیرفتن مذاکره است و می خواهد در داخل کشور عناصر مرعوب و وادادهِ داخلی را سامان دهد که به اقتدار ملی و عزت اسلامی نظام ما در جهان اسلام آسیب برسانند و همه باید بدانند که مردم و نظام در برابر چنین مجموعه ای که حکم ستون پنجم را دارند آرام نخواهند نشست.» سید مرتضی نبوی نیز ضمن اینکه تأکید می کرد شورای عالی امنیت ملی نهاد مسؤول در زمینه حل اختلاف سلیقه ها در مورد سیاست خارجی است، در پایان اضافه می کرد متأسفانه رفتار بعضی از افراطیون انتقاد کنندگان از اظهارات مغایر سیاست های رسمی وزارت خارجه! نشان می دهد که آنها فاقد بلوغ سیاسی لازم در صحنه سیاست خارجی هستند ... و رفتار اپوزیسیون نسبت به سیاست خارجی در چنین شرایطی، معادل ستون پنجم است و هر کس انسجام سیاست خارجی را خدشه دار کند به منافع ملی خیانت کرده است.» مشخص نبود نبوی اظهار نظر کنندگان مورد بحث را در زمره منسجم کنندگان سیاست خارجی قرار می داد یا اپوزیسیون خیانتکار.

در حالی که این اظهار نظرهای علنی وجود داشت، برخی در خلوت، موضوع حالت فوق العاده را سبک و سنگین می کردند. طبیعتاً مجامع مسؤول در هر شرایط جدی و خطرناکی چنین بررسی هایی را انجام می دهند و با دخیل کردن متغیرهای فراوان در زمینه مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی به نتیجه کارشناسانه می رسند که الزاماً اعلام حالت فوق العاده نیست. به همین دلیل هم هست که در طول هشت سال دفاع مقدس و جنگ با عراقی که قدرت های جهانی آن را در نهان تدارک می کردند دولت موسوی به رغم درپیش گرفتن یک سیاست اقتصاد جنگی هیچ گاه حالت فوق العاده اعلام نکرد. در نظام هایی که اتکای آنها به مردم است و قوام و دوام خود را مدیون آمادگی های فردی و جمعی آنها می دانند اصولاً اعلام حالت فوق العاده به ندرت پیش می آید. برعکس دولت های کودتایی - مثل پاکستان - که بدون جنگ و تهدید خارجی هم نصف دوران خود را در حالت فوق العاده به سر می برند.

به هر حال، موضوع فوق در برخی محافل غیر مسؤول مورد بررسی قرار گرفته است که به قول یکی از نمایندگان مجلس معتقدند «همه چیز را نمی توان با مردم در میان گذاشت. بهترین خبر برای مردم، بی خبری است.» برخی از ابعاد این بررسی ها از طریق برخی اظهارنظرها و سرمقاله ها به بیرون درز کرده است. یک سرمقاله در روز اول ماه جاری وضعیت کشور را مشابه وضعیت سال های ۵۸ و ۵۹ ایران با عراق توصیف کرده و آورد: «در حالی که هیچ وضعیت جنگی در داخل برقرار نیست و حتی بسیاری می توانند خدمت زیر پرچم را با پرداخت مبلغی اندک خریداری کنند.[1] در حالی که دولت در دیپلماسی خارجی به تشنج زدایی و صلح و گفت وگو رو آورده است، طبل جنگ در واشنگتن زده می شود. ظاهراً تا غرش موشک ها و بمب ها به گوش نرسد کسی باور نمی کند که ما در آستانه یک جنگ تجاوزکارانه هستیم.»

یک یادداشت دیگر، وضعیت مورد انتظار از اعلام وضعیت فوق العاده را به شرح زیر فهرست می کرد: «درصورتی که سیاست ها و راهبردهایی در عرصه های مختلف از سوی شورای عالی امنیت ملی اتخاذ گردید، تمامی ارکان نظام، حتی دولت و نمایندگان مجلس و دستگاه اطلاعاتی موظف به رعایت اجرای کامل آن هستند و نمی توانند اظهاراتی را بیان کنند که برخلاف جهتگیری های اعلامی از سوی شورای عالی مذکور باشد.»

رویه مورد بحث البته درست بیان شده بود. براساس اصل ۱۷۸ قانون اساسی کشور، شورای عالی امنیت ملی مسؤول عالی امنیت کشور در برابر تهدیدهای خارجی است که با ریاست رئیس جمهوری برگزار می شود و مصوبات آن پس از تأیید مقام رهبری لازم الاجراست. اما در مطالبی که منتشر می شد مشخص نبود منشأ بحث در کجاست؟ شورای عالی امنیت ملی، یا جایی دیگر؟

به هر حال، اینکه در جایی بحث شدید بر سر اعلام وضعیت فوق العاده با رویکرد وارد کردن بخشی از نظام به عمل بر ضد بخش دیگر آن جریان دارد، روز دوشنبه هفته جاری کاملاً مشخص شد. روزنامه سیاست روز مطالبی نوشت که «روزنامه ها و مقامات سیاسی را به واکنش واداشت: «به گمانم بیش از این نمی شود کشور را با نصیحت و رودربایستی و تعارف اداره کرد... وقتی در جامعه ما برخی نمایندگان احزاب، مطبوعات، سیاسیون، مقامات دولتی و ... نمی توانند یا نمی خواهند شرایط خطیر کشور را درک کنند و بالاتر، برخی نقش ستون پنجم را برای دشمن ایفا می کنند آیا باز هم جای نصیحت و ملاحظات و تعارف وجود دارد؟ باید «شرایط بحرانی» و «مدیریت بحران» الزامات خود رابه وجود آورد و هر کس با آن سازگار نیست به دل خیانت به ملت و ایفای نقش ستون پنجم برای دشمنان محاکمه و برکنار گردد.»

در مقابل این اصرار، ابتدا نعیمی پور، عضو هیأت رئیسه مجلس به عنوان نخستین مقام رسمی که از وجود تلاش های یاد شده پرده می دارد دیروز گفت «برخی اخبار حاکی از آن است عده ای قصد دارند با ترفند های مختلف وضعیت فوق العاده در کشور اعلام شود. مجلس و خصوصاً فراکسیون دوم خرداد با هوشیاری و شجاعت در مقابل این طراحی خواهند ایستاد. دو روزنامه تیتر خود را به اطلاع رسانی در مورد این تلاش ها اختصاص دادند و مصطفی تاج زاده، در مورد مطلب روزنامه سیاست روز که توسط بنیان «به کمی مشکوک، بلکه کاملاً مشکوک» توصیف شده بود در روزنامه اکثریت نوشت «ملاحظه می شود که ابداً تعارف و رودربایستی و ملاحظه ای در کار نیست، پیشنهاد به طور مشخص این است که شرایط بحرانی اعلام شود و مدیریت بحران به برکناری و محاکمه نمایندگان مجلس، مسؤولان احزاب و مطبوعات به جرم ایفای ستون پنجم بپردازد و «ناهماهنگی» و اختلاف در بخش های حکومت از بین برود.» برای آنکه مشخص شود آیا شرایط امنیتی کشور توسط نهادهای مسؤول مشخص و ابلاغ می شود یا ممکن است اصرار محافل غیرمسؤول در تعیین شرایط امنیتی کشور نقش اصلی را بازی کند، باید منتظر رویدادهای آتی شد.